به مناسبت گرامیداشت سالروز بعثت اسوه مکارم‌الاخلاق حضرت رسول(ص)

کارکردهای خوش‌خلقی و بدخلقی

■ وحید درخشان

اسلام دین اخلاق است و بر انسان است تا روابط سه‌گانه‌اش با خود، خدا و خلق را بر اساس اخلاق تنظیم کند، به طوری که نه تنها ظلمی نسبت به هیچ یک از سه دسته روا نشود، بلکه در بهترین و عاطفی‌ترین حالت این روابط ایجاد و استحکام یابد. نویسنده در مطلب حاضر برخی از آثار و کارکردهای خوش‌خویی و بدخویی را تبیین کرده است.

اتمام مکارم اخلاقی، هدف بعثت پیامبر(ص)

براساس آموزه‌های قرآنی، فلسفه و هدف بعثت پیامبر(ص) تعلیم در راستای تزکیه است. (بقره، آیه ۱۲۹؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه: آیه ۲)

پیامبر گرامی اسلام خود دراین باره می‌فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ جز این نیست که من برای به کمال رساندن مکارم‌الاخلاق مبعوث شده‌ام. (کنزالعمال، ج ۱۳، ص ۱۵۱، ح ۳۶۴۷۲؛ مکارم‌الاخلاق، ص ۸)

در حقیقت هدف پیامبر(ص) آن است که فراتر از اموری که به عنوان محاسن اخلاق و کارهای نیک و حسن شناخته می‌شود، کرامت‌های اخلاقی را به انسانها بیاموزد. پس نه‌تنها نسبت به کسانی که در حقش ظلم و ستمی روا داشته‌اند، به حکم احسان در می‌گذرد و عفو می‌کند، بلکه با کرامت و بزرگواری به آنها نیکی می‌کند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: هرگز خوبی و بدی یکسان نیست، بدی را با خوبی دفع کن تا دشمنان سرسخت، همچون دوستان، گرم و صمیمی شوند. اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند به آن نایل نمی‌گردند. (فصلت، آیات ۳۴ و ۳۵)

مصادیقی از مکارم اخلاق

در آیات و روایات مصادیقی از مکارم اخلاقی بیان شده که دانستن و شناخت آنها کمک می‌کند که ما در مسیری گام برداشته و به تزکیه نفس بپردازیم که این امور در ما تحقق یابد و انسانی دارای منش و کنش خوش و نیکو باشیم و این همان هدفی است که پیامبر به خاطر آن مبعوث شده است.

امام صادق(ع) در تبیین مکارم اخلاق می‌فرماید: خدای تبارک و تعالی رسول خدا(ص) را به مکارم اخلاق مخصوص گردانید. پس شما نیز خود را بیازمایید، اگر این صفت‌ها در شما بود خدای عزوجل را سپاس گوئید و از او مکارم را بیشتر بخواهید - سپس آن ده خصلت را برشمردند-: یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش‌اخلاقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی. (امالی صدوق، ص ۲۹۰)

همچنین امام صادق(ع) در پاسخ مصادیق مکارم‌اخلاق می‌فرماید: و قد سئل عن مکارم‌الاخلاق: العفو عمن ظلمک و صله من قطعک و اعطاء من حرمک و قول الحق و لو علی نفسک؛ درباره مکارم اخلاق سؤال شد، فرمودند: گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، عطا به آن کس که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگرچه بر ضد خودت باشد. (معانی الاخبار، ص ۱۹۱، ح ۱)

باید توجه داشت اگر برخی از کارها و رفتارها از برخی پذیرفته می‌شود و نسبت به آنان کوتاه می‌آیند، ولی از برخی‌ها انتظار و توقع نمی‌رود. لذا گفته می‌شود: حسنات الابرار سیئات المقربین، کارهای نیک ابرار نسبت به مقربان، به عنوان سیئات است؛ یعنی از مقربان انتظار آن کارها نمی‌رود، یعنی اگر ابرار عفو می‌کنند، مقربان بایدنه‌تنها عفو کنند بلکه باید نیکی کرده و چیزی را ببخشند. در همین چارچوب، رفتارهای پیامبران تبیین می‌شود؛ زیرا ترک اولی به معنای آن است که از پیامبری انتظار این نمی‌رفت که چنین عملی را انجام دهد.

در حقیقت اگر از مردم عادی محاسن اخلاقی خواسته می‌شود و انتظار می‌رود، از علما و پیامبران انتظار مکارم اخلاقی است.

پیامبر (ص) فرمود: عدالت نیکو است اما از دولتمردان نیکوتر، سخاوت نیکو است اما از ثروتمندان نیکوتر؛ تقوا نیکو است اما از علما نیکوتر؛ صبر نیکو است اما از فقرا نیکوتر، توبه نیکو است اما از جوانان نیکوتر و حیا نیکو است اما از زنان نیکوتر. (نهج‌الفصاحه، ح ۲۰۰۶)

امام علی(ع) نیز می‌فرماید: نه چیز زشت است، اما از نه گروه زشت‌تر، درماندگی و ناتوانی از دولتمردان؛ بخل از ثروتمندان؛ زود خشمی از دانشمندان؛ حرکات بچگانه از میانسالان؛ جدایی حاکمان از مردم؛ دروغ از قاضیان؛ بیماری کهنه از پزشکان؛ بدزبانی از زنان و سختگیری و ستمگری از سلاطین. (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۳)

پیامبر(ص) نیز در تبیین برترینها از مسلمانان می‌فرماید: الا انبئکم بخیارکم؟ قالو: بلی یا رسول‌الله قال احاسنکم اخلاقا الموطنون اکنافا، الذین یألفون و یؤلفون؛ آیا شما را از بهترین افرادتان خبر ندهم؟عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. حضرت فرمودند: خوش اخلاق‌ترین شما، کسانی‌اند که نرمخو و بی‌آزارند، با دیگران انس می‌گیرند و از دیگران انس و الفت می‌پذیرند. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶، ح ۷۶)

البته شکی نیست که تغییر رفتار و عادت و خوگرفتن به منش نیک و پسندیده، هرچند که شدنی است (رعد، آیه ۱۱) اما بسیار سخت است. بدتر آنکه انسان عمری تلاش می‌کند تاخوی خوش داشته باشد و از بدخویی خود را رها سازد؛ ولی این چیزی که به سختی به دست می‌آید به راحتی از دست می‌رود؛ اینکه انسان یک عمر کار می‌کند تا در جامعه خوشنام و خوش‌اخلاق شناخته و مشهور شود با یک حرکت همه از دست می‌رود؛ از این‌رو انسان باید خیلی احتیاط کند که مصداق مثل گاو یک من شیره نباشد که با یک لگد زدن همه را می‌ریزد و تباه می‌کند. امام علی(ع) در این‌باره می‌فرماید: ما اصعب اکتساب الفضائل و ایسر اتلافها؛ فضائل اخلاقی و صفات پسندیده چه به سختی به دست می‌آیند و چه آسان از دست می‌روند. (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۹، ح ۳۸)

براساس آیات پیش گفته که فلسفه بعثت پیامبر گرامی(ص) را تعلیم و تزکیه معرفی کرده، امیرمؤمنان علی(ع) تبیین می‌کند که بهترین علم آن است که در راستای آموزش اخلاقی باشد تا زمینه برای تربیت و تزکیه و پرورش نفس بر اساس آن دانش فراهم آید. چنانکه می‌فرماید: رأس العلم التمییز بین الاخلاق و اظهار محمودها و قمع مذمومها؛ بالاترین درجه دانایی، تشخیص اخلاق از یکدیگر و آشکار کردن اخلاق پسندیده و سرکوب اخلاق ناپسند است. (غررالحکم، ح ۵۲۶۷)

آثار دنیوی و اخروی نیک‌خویی و بدخلقی

اگر رسول اکرم(ص) هدف بعثت خود را تکمیل مکارم‌الاخلاق عنوان می‌کند و در اسلام این همه تأکید بر داشتن حسن خلق و صفات والای اخلاقی شده، باید دید کارکردهای اخلاقی نیک‌خویی و عکس آن، بدخویی چگونه است که در ادامه به برخی از این آثار دنیوی و اخروی اخلاق نیک و بد از زبان آیات و روایات اشاره می‌شود.

۱.سربلندی و خواری: اگر بخواهیم در دنیا و آخرت سربلند باشیم باید اخلاق نیک داشته باشیم و خلق و خوی ما نیکو باشد؛ زیرا اگر خوش‌خو نباشیم، در جامعه پست و خوار خواهیم شد و از مرتبت اجتماعی و شرافت سقوط خواهیم کرد.

*** پیامبر(ص) در تبیین برترینها از مسلمانان می‌فرماید: خوش اخلاق‌ترین شما، کسانی‌اند که نرمخو و بی‌آزارند، با دیگران انس می‌گیرند و از دیگران انس و الفت می‌پذیرند.**

علی(ع) می‌فرماید: علیکم بمکارم الاخلاق فانها رفعه و ایاکم و الاخلاق الدنیه فانها تضع الشریف و تهدم المجد؛ به مکارم اخلاق پایبند باشید که آن مایه سربلندی است و از اخلاق پست دوری کنید که آن انسان‌های شریف را پست و بزرگواری را از بین می‌برد. (تحف العقول/ ص۲۱۵) همچنین آن حضرت می‌فرماید: رب عزیز اذله خلقه و ذلیل اعزه خلقه؛ چه‌بسا عزیزی که اخلاق بدش او را ذلیل و چه بسا ذلیلی که اخلاق خوبش او را عزیز کرد. (بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹، ح ۷۹)

۲- سعادت دنیا و آخرت: خوش‌خویی موجب سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌شود. انسان خوش‌خو زندگی پسندیده و نیکی خواهد داشت و مرگ سعادت آفرین را تجربه خواهد کرد؛ چنانکه پیامبر(ص) می‌فرماید: چه چیزی مانع توست که زندگی پسندیده و مرگ با سعادت را داشته باشی، چرا که من برای کامل نمودن اخلاق زیبا مبعوث شده‌ام. (مجمع‌الزوائد، ج۸، ص۲۳)

۳- محبوب خداوند: از جمله راه‌های کسب محبوبیت در پیشگاه خداوند، خوش‌خویی است. خداوند انسان خوش‌خو را دوست می‌دارد. پیامبر(ص) می‌فرماید: احبکم الی الله احسنکم اخلاقا؛ محبوب‌ترین شما در نزد خدا، خوش اخلاق‌ترین شماست. (مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص۸۷)

۴- زینت اسلام: اسلام به عنوان یک مکتب الهی و انسان‌ساز از سوی خداوند نازل شده است. کسی که مدعی اسلام است باید به‌گونه‌ای خودش را تربیت کند که رفتار و کردار و گفتارش بیانگر باور به اسلام و عقاید آن باشد. در حقیقت سبک زندگی هر مسلمانی باید براساس اصول و قواعد اخلاقی اسلام شکل بگیرد. ملاک مسلمانی داشتن اخلاق نیکو است به‌طوری که هرکسی به مسلمان بنگرد بداند که او مسلمان است وبر اساس اسلام عمل کند. پس اخلاق همان‌طوری که باید زینت هر مسلمانی باشد، رفتار نیک مسلمان نیز باید زینت‌بخش اسلام باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: ان مما یزین الاسلام الاخلاق الحسنه فیما بین الناس؛ خوش اخلاقی در بین مردم، زینت اسلام است. (مشکاه الأنوار، ص۴۲۲)

۵- زنگار دل و سرزنش مردم: انسان باید همواره درحال آموزش و پرورش یعنی تعلیم و تزکیه باشد و سخنان دیگران را بشنود و از بهترین‌ها پیروی کند (زمر، آیه۱۸) و از شنیدن حرف‌های لغو و بیهوده و امور لهو که سودی ندارد پرهیز کند؛ زیرا این امور خلق و خوی انسان را بد می‌کند و موجب زنگار گرفتگی دل‌ها و سرزنش خدا و مردم می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: گوش خود را به شنیدن خوبی‌ها عادت بده و به آنچه که به صلاح و درستی تو نمی‌افزاید گوش مسپار؛ زیرا این کار، دل‌ها را زنگار می‌زند و موجب سرزنش می‌شود. (غررالحکم، ح۶۲۳۴)

۶- التذاذ و لذت بردن از زندگی: عادت به کار نیک و داشتن خلق و خوی خوب و منش نیکو و پسندیده موجب می‌شود که انسان از کار و رفتارش لذت ببرد و زندگی با لذت سپری شود. امام علی(ع) درباره این کارکرد خلق نیک می‌فرماید: خودت را به کارهای زیبا عادت بده که اگر به آنها عادت کنی، برایت لذت‌بخش می‌شوند. (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص۲۶۶، ح۹۲)

۷- دوستی با خوبان و کناره‌گیری از بدان: چنان‌که گفته شد تعلیم و تربیت باید در رفتار و منش انسان خودش را نشان دهد. اگر کسی خوش‌خو است

*** از جمله راه‌های کسب محبوبیت در پیشگاه خداوند، خوش‌خویی است. خداوند انسان خوش‌خو را دوست می‌دارد. پیامبر(ص) می‌فرماید: احبکم الی الله احسنکم اخلاقا؛ محبوب‌ترین شما در نزد خدا، خوش اخلاق‌ترین شماست.**

همانند انسانی است که به سوی امور طیب و نیک و خوش گرایش داشته و از امور خبیث و پلید و زشت گریزان است. در حقیقت گرایش شخص بیانگر باطن اوست. امام صادق(ع) درباره بازتاب خوش‌خویی شخص می‌فرماید: من احسن خلقه احبه الاخیار و جانبه الفجار؛ انسان خوش‌اخلاق، از دوستی مردمان خوب برخوردار است و از تعرض آدم‌های نابکار در امان است. (مستدرک الوسائل، ج۸، ص۴۴۹)

۸- اجتناب از ناپسندها: انسان اگر خوش‌خو و نیکو خصال است، به‌طور طبیعی نسبت به آن گرایش دارد و از اضداد آنها گریزان است. در حقیقت هر امر باطنی نشانه‌های ظاهری دارد که می‌توان از آن دانست که فرد در چه حالت و منش و خویی است.

نشانه خوش‌خویی و ادب افراد را می‌توان از اموری به دست آورد. به عنوان نمونه امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: کفاک ادبا تجنبک ما تکره من غیرک؛ برای ادب تو همین بس که آنچه را از دیگران نمی‌پسندی، از آن دوری کنی. (بحارالأنوار، ج۷۸، ص۳۷۷) امام حسین(ع) نیز می‌فرماید: لا تقولن فی اخیک المؤمن اذا توارى عنک الا ما تحب ان یقول فیک اذا توارت عنه؛ وقتی که برادر دینی‌ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر اینکه دوست داری او در پشت سر تو آن را بگوید. (بحارالأنوار، ج۷۸، ص۱۲۷) در حقیقت این‌گونه رفتار نشان می‌دهد تا چه اندازه پایبند به اصل برادری اسلامی و اخوت دینی هستی.

۹- ورود به جرگه مسلمانی: اگر بخواهیم مسلمان باشیم و عضویت ما در امت اسلام و فرزندی پیامبر(ص) و بندگی خداوند پذیرفته شود و به تثبیت برسد باید خوش‌خو باشیم. پیامبر(ص) درباره این شرط مسلمانی می‌فرماید: سه چیز است که هرکس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عز و جل. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمودند: بردباری که به وسیله آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و ورع و پارسایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد. (خصال، ص۱۴۵، ح۱۷۲)

۱۰- بهشتی بودن خوش‌خو: انسانی که خوش‌خو باشد و فضایل اخلاقی را در خود ایجاد کرده باشد، انسانی بهشتی است؛ زیرا امام صادق(ع) می‌فرماید: ان لاهل الجنه اربع علامات: وجه منبسط و لسان لطیف و قلب رحیم و ید معطیه؛ بهشتی‌ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده. (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۱)

*** انسانی که خوش‌خو باشد و فضایل اخلاقی را در خود ایجاد کرده باشد، انسانی بهشتی است؛ زیرا امام صادق(ع) می‌فرماید: بهشتی‌ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده.**

۱۱. عدم پذیرش توبه بدخو: یکی از شرایط پذیرش توبه براساس برخی از روایات، خوش خویی است؛ پیامبر(ص) می‌فرماید: خداوند از آدم بداخلاق توبه نمی‌پذیرد. عرض شد: ای رسول خدا، چرا؟ فرمودند:چون هرگاه از گناهی توبه کند در ورطه گناهی بدتر از آن که توبه کرده است می افتد. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۹۹، ح ۱۲) پس انسان اگر بخواهد توبه‌اش پذیرفته شود، خوشخویی را صفت و خصلت خود سازد و از بدخویی رها شود.

۱۲. خوش خویی، گنجینه رزق و رزوی: بسیاری از مردم از تنگدستی شاکی هستند؛در حالی که می‌توانند با برخی از رفتارها به گنجینه‌های رزق و روزی دسترسی یافته و از برکت روزی بهره‌مند شوند.

امام علی(ع) یکی از عوامل موثر در وسعت روزی را اخلاق نیک دانسته و می‌فرماید: فی سعهٔ الاخلاق کنوز الارزاق؛ گنج‌های روزی در خوشی اخلاق نهفته است. (کافی، ج ۸، ص ۲۳) آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: من ساء خلقه ضاق رزقه؛ هر کس بداخلاق باشد، روزی‌اش تنگ می‌شود. (غرر الحکم، ح ۸۰۲۳) پس خوش‌خویی و بدخویی نقش موثری در رزق و روزی انسان دارد و نباید به این مسئله در آسایش و رفاه خود بی‌توجه بود.

۱۳. خوش خویی و گوارایی زندگی: خوش‌خویی موجب گوارایی زندگی می‌شود؛ چنانکه امام صادق(ع) درباره این کارکرد خوش خویی می‌فرماید: لا عیش اهنا من حسن الخلق؛ هیچ زندگی گواراتر از اخلاق و رفتار پسندیده نیست. (علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹) در مقابل، بدخویی موجب تلخکامی در زندگی است. امام علی(ع) به این نکته این‌گونه توجه داده و می‌فرماید: السیی الخلق کثیر الطیش منغص العیش؛ آدم بداخلاق بسیار خطا می‌کند و زندگی‌اش تلخ می‌شود. (غرر الحکم، ح ۱۶۰۴)

۱۴. دوستی دیگران: خوش خویی موجب جذب مردم و بدخویی موجب دوری مردم از شخص می‌شود و حتی بدخویی موجب می‌شود که انسان دوستان خودش را نیز از دست دهد. امام صادق(ع) از لقمان روایت می‌کند که به فرزندش گفت: فرزندم! از بی‌حوصلگی و بداخلاقی و بی‌تابی دوری کن که هیچ دوستی تحمل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت آرام و بردبار، در تحمل زحمات برادران، صبور و با همه مردم خوش اخلاق باش. (قصص الانبیاء،ص ۱۹۸، ح ۲۴۵)

۱۵. رابطه خوشخویی و نرم گفتاری: در آیات قرآن در حوزه گفتار و نطق، آموزه‌هایی دستوری بیان شده که شامل نرم گفتاری، استواری در منطق و استدلال، آهستگی و پرهیز از صدای بلند و مانند آنها می‌شود. اگر انسان بخواهد لطافت کلام را به دست بیاورد باید لطافت خلق و خو پیدا کند؛ زیرا از آثار خوشخویی و لطافت خوی انسانی اموری از جمله نرمی و لطافت در سخن و گفتار است؛ چنانکه امام علی(ع) در این باره فرموده است: اذا حسن الخلق لطف النطق؛ با اخلاق نیکو، گفتار نرم می‌شود. (غرر الحکم، ح ۴۰۵۲)

۱۶. موفقیت در امور: از عوامل توفیق و موفقیت در کارهای زندگی می‌توان به خوشخویی و منش نیک اشاره کرد. امام علی(ع) می‌فرماید: عود نفسک حسن النیهٔ و جمیل المقصد، تدرک فی مباغیک النجاح؛ خودت را به داشتن نیت خوب و مقصد زیبا عادت ده، تا در خواسته‌هایت موفق شوی.(غرر الحکم، ح ۶۲۳۶)

۱۷. حسابرسی آسان در قیامت: خوش‌خو در قیامت پرونده اعمالش به آسانی و سرعت رسیدگی می‌شود اما بدخو این‌گونه نیست. پیامبر(ص) می‌فرماید: اول ما یوضع فی میزان العبد یوم القیامهٔ حسن خلقه؛ نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشته می‌شود، اخلاق خوب اوست. (قرب الاسناد، ص ۴۶، ح ۱۴۹)

۱۸. دلتنگی خانواده بدخو: خوش‌خو هم خودش زندگی آسان و راحتی دارد و هم اطرافیان وی از این خوشخویی بهره‌مند می‌شوند؛ اما بدخو خود و خانواده‌اش را در عذاب و رنج می‌افکند. امام علی(ع) می‌فرماید: من ساء خلقه مله اهله؛ هر کس بداخلاق باشد، خانواده‌اش از او دلتنگ و خسته می‌شوند. (تحف العقول، ص ۲۱۴)

به مناسبت ۲۵ رجب سالروز شهادت امام هفتم هدایت

سبک زندگی اسلامی از منظر امام موسی کاظم(ع)

■ عباس مجیدی

انسان باید سبک زندگی‌ای داشته باشد که با فلسفه زندگی‌اش تناسب داشته باشد؛ در حالی که به نظر می‌رسد ما سبک زندگی خاصی را برای خودمان انتخاب کرده‌ایم که با اعتقادات و فلسفه زندگی ما سنخیت ندارد؛ از این رو دچار نوعی نفاق در ایمان و عمل هستیم. امامان معصوم(ع) به عنوان پیشوایان اسلامی همان طوری که فلسفه زندگی اسلامی را بیان کرده‌اند به سبک زندگی اسلامی نیز توجه داده‌اند. نویسنده در این مطلب برخی از ویژگی‌های سبک زندگی را براساس آموزه‌ها و سنت و سیره امام موسی کاظم(ع) بیان کرده است.

۱. عمل به علم: انسان می‌بایست به علم خویش عمل کند. اگر به چیزی علم و یقین داریم، نباید برخلاف آن عمل کرد، چنانکه نباید تحت تاثیر سخنان دیگران از علم خود دست کشید. از آنجایی که علوم و معلومات انسانی از نظر درجه و مرتبه و نیز روش کسب و تحصیل متفاوت است، وقتی کسی از طریق ابزارهای صحیح و درست و منابع شناختی علمی، به علمی دست یافت باید بر اساس آن رفتار کرده و به تشکیک دیگران توجهی نکند. امام هفتم حضرت موسی‌بن جعفر(ع) می‌فرماید: ای هشام! اگر در دست تو دانه گردویی است ولی همه مردم آن را جواهر پنداشته‌اند این پندار، تو را سود نبخشد چون، می‌دانی که آنچه در دست تو است گردوئی بیش نیست. همچنین اگر در میان مشت تو، جواهری باشد، لکن مردم آن را گردو قلمداد کنند در این صورت نیز این پندار، واقعیت را دگرگون نمی‌سازد و زیانی به تو نمی‌رسد. (تحف‌العقول، بخش امام هفتم، ص ۳۸۶)

از آنجایی که درجه و سطوح علمی با هم فرق دارد و همه در یک سطح نیست، این سخن آن حضرت(ع) نسبت به همه معلومات نیست؛ از همین رو به علم توجه می‌دهد که ابزارهای علمی و منافع فهم و ادراکی آن قطعی است و در حقیقت از مشهودات آدمی است. در چنین مواردی شک در مقام اندیشه، و تردید در مقام عمل روا نیست؛ اما اگر ابزارهای علمی و منابع شناختی در این حد و اندازه نباشد، باید بررسی مجددی به عمل آید نه آنکه علم را نادیده گیرد و آن را کنار نهد. پس تا زمانی که یقین و قطع و علم سابق وجود دارد با شک و تردید دیگران نباید آن را کنار گذاشت بلکه اگر احتمال خطا می‌دهید، در آن تحقیق و بررسی کرده و براساس مفاد تحقیق عمل کنید؛ اما تا پیش از رسیدن به نتیجه تحقیق، مفاد علم پیشین را کنار نگذارید. امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: لا تنقض الیقین بالشک؛ با شک، یقین خود را نقض نکن؛ بلکه بر اساس مفاد یقین عمل کن.

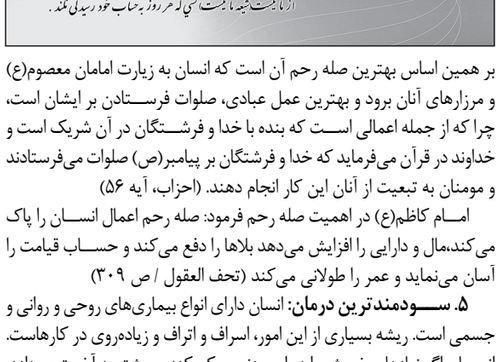

بر همین اساس بهترین صله رحم آن است که انسان به زیارت امامان معصوم(ع) و مرزارهای آنان برود و بهترین عمل عبادی، صلوات فرستادن بر ایشان است، چرا که از جمله اعمالی است که بنده با خدا و فرشتگان در آن شریک است و خداوند در قرآن می‌فرماید که خدا و فرشتگان بر پیامبر(ص) صلوات می‌فرستادند و مومنان به تبعیت از آنان این کار انجام دهند. (احزاب، آیه ۵۶)

امام کاظم(ع) در اهمیت صله رحم فرمود: صله رحم اعمال انسان را پاک می‌کند،مال و دارایی را افزایش می‌دهد بلاها را دفع می‌کند و حساب قیامت را آسان می‌نماید و عمر را طولانی می‌کند (تحف العقول / ص ۳۰۹)

۵. سودمندترین درمان: انسان دارای انواع بیماری‌های روحی و روانی و جسمی است. ریشه بسیاری از این امور، اسراف و اتراف و زیاده‌روی در کارهاست. انسان اگر نیازهای خویش را در امور دنیوی کم کند و بیشتر به آخرت بپردازد، زندگی خوبی خواهد داشت؛ ولی دلبستگی و محبت به دنیا بویژه مال و قدرت و زن و فرزند (آل عمران، آیه ۱۴؛ حدید آیه ۲۰) بسیاری از مشکلات را برای آدمی به وجود می‌آورد و موجب انواع بیماری‌ها می‌شود. اسراف و تبذیر و اتراف آدمی را از حد اعتدال و تعادل خارج می‌کند و اسراف اقتصادی و رفتاری به اسراف اعتقادی کشیده می‌شود به شرک و کفر می‌انجامد (انعام، آیه ۱۴۱؛ اعراف، آیه ۳۱، یونس، آیه ۸۳؛ دخان، آیه ۳۱)

برخی از اموری که ما گمان می‌کنیم درمان دردهای ماست مانند سکنجبین است که صفرا را می‌افزاید و دردی دیگر در جایی دیگر ایجاد می‌کند. در حالی که قناعت و کم‌گرایی در امور مادی و دنیوی و بسیارگرایی در امور اخروی و معنوی راه نجات و درمانگرا دردهای بشر است. حضرت امام‌موسی کاظم(ع) در این باره فرموده است: لیس من دواء الا و هو یهیج داء و لیس شیء فی البدن انفع من امساک الید الا عما یحتاج الیه؛ هیچ دارویی نیست مگر آنکه در اثر عوارض جنبی آن دردی دیگر را تحریک می‌نماید؛ و هیچ درمانی بهتر و سودمندتر از امساک و خودداری نیست مگر در حال نیاز و ضرورت. (کافی: ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۹. وسائل الشیعهٔ: ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۲۴۹۰. بحار: ج ۵۹، ص ۶۸، ح ۱۸)

۶. دین‌شناسی و ناشناسی: انسان مومن می‌بایست دین خود را بشناسد و بر اساس آن فکر و عملش را تنظیم کند بسیاری از مردم به ظاهر دیندار هستند ولی هیچ شناختی از دین ندارند. برخی هم که دین‌شناس هستند عده‌ای از آنها می‌کوشند تا خودنمایی کنند و با این علم و دانش خویش جاه و منزلتی در میان مردم پیدا کنند. در حالی که شهرت، خود آفتی برای علم و دین آدمی است. انسان عاقل کسی است که دنبال حق‌شناسی می‌رود و حق را انجام می‌دهد و کاری به این ندارد که مردم چه نظری درباره‌اش دارند. حضرت امام کاظم(ع) نسبت به دو چیز هشدار می‌دهد و می‌فرماید: رحم‌الله عبدا تفقه، عرف الناس و لا یعرفونه؛ خداوند متعال رحمت کند بنده‌ای را که در مسائل دینی تفقه و تحقیق نماید (فقیه و عالم باشد) و نسبت به مردم شناخت پیدا کند، گرچه مردم او را نشناسند و قدر و منزلت او را ندانند. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر حلوانی: ص ۱۲۲، ح ۲)

۷. شرایط بهره‌مندی از رحمت خدا: اگر انسان بخواهد از بسیاری از مشکلات در زندگی دنیا رهایی یابد اصولی را مراعات کند که شامل خوف از خدا، ادای امانت و عمل بر اساس حق است. این مطلب بارها در قرآن و روایت مورد تاکید قرار گرفته است؛ زیرا مراعات این اصول انسان را موجودی اخلاقی و انسانی کامل می‌سازد و روابط اجتماعی میان انسان‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. بسیاری از مشکلاتی که اکنون جوامع بشری را گرفتار کرده است؛ ریشه در بی‌تقوایی نسبت به خدا و بی‌پروایی انسان‌ها دارد. انسان‌ها چنان گستاخ شده‌اند که خدا را نیز نمی‌شناسند و از اعمال زشت و بد خود نمی‌هراسند. خیانت در امانت و عمل بر خلاف اصول عدالت و حقانیت و گرایش به باطل و رفتارها و روش‌های نادرست موجب شده است که انواع بلایا و مصیبت‌ها بر سر آدمی بیاید. از این رو حضرت کاظم(ع) در این باره هشدار می‌دهد و می‌فرماید تنها راهی که موجب رهایی از مشکلات و بهره‌مندی از رحمت الهی است، توجه به اصول اساسی دین و اخلاق است. ایشان می‌فرماید: ان اهل الارض مرحومون ما یخافون و ادوا الامانه، و عملوا بالحق؛ اهل زمین مورد رحمت - و برکت الهی - هستند، مادامی که خوف و ترس - از گناه و معصیت داشته باشند، ادای امانت نمایند و حق را دریابند و مورد عمل قرار دهند. (تهذیب الأحکام: ج۶، ص ۳۵۰، ح ۹۹۱، وافی: ج۴، ص۴۳۳، ح۲۲۷۳)

در آیات قرآن بیان شده که اگر کسی تقوای الهی پیشه کند، نه تنها از عذاب الهی می‌رهد بلکه برکات آسمان و زمین بر او و جامعه‌اش نازل می‌شود. (اعراف، آیه۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲) اصولاً از نظر قرآن جهان بر مدار حق آفریده شده و نه تنها خداوند جامه حق بر جهان پوشانیده است، بلکه جوهر ذات هر چیزی حق است و انسان‌ها باید این را بشناسند و بر مدار آن حرکت کنند که همان مراعات عدالت است؛ زیرا عدالت که مسئولیت و مأموریت همه پیامبران و بشریت است (حدید، آیه۲۵) همان اعطای حق هر صاحب حقی است.

۸- مشورت در زندگی: در قرآن خداوند به پیامبرش فرمان می‌دهد که در کارها به ویژه امور مهم با مردم مشورت کند. (آل‌عمران، آیه۱۵۹) اصولاً ازنظر قرآن مؤمنان کسانی هستند که اهل مشورت در کارها هستند. (شوری، آیه۳۸) چراکه با مشورت، انسان از عقول دیگران بهره‌مند می‌شود و دچار اشتباه و خطا نمی‌شود و یا اگر شود دارای عذر خواهد بود. حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود: من استشار لم یعدم عند الصواب مادحا، و عندالخطا عاذرا؛ کسی که در امور زندگی خود- با اهل معرفت- مشورت کند، چنانچه درست و صحیح عمل کرده باشد مورد تعریف و تمجید قرار می‌گیرد و اگر خطا و اشتباه کند عذرش پذیرفته است. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر: ص۱۲۳، ح۱۳، بحارالأنوار: ج۷۵، ص ۱۴۰، ح۳۷)

۹- تعقل ورزی: آموزه‌های قرآنی بر تعقل بسیار تأکید دارد؛ زیرا خداوند به انسان عقل داده تا از آن بهره‌مند شود. عقل بهترین واعظ انسان است؛ چرا که چراغ راهنمایی است که پیش پای آدمی را روشن می‌سازد و انسان می‌تواند خوب و بد را با چراغ عقل ببیند. اگر کسی از این چراغ استفاده نکند در دام‌هایی که شیطان برای انسان گذاشته گرفتار می‌شود و به هلاکت می‌افتد. (بقره، آیات ۴۴ و ۷۳ و ۷۶ و ۲۴۲؛ آل‌عمران، آیات ۶۵ و ۱۱۸؛ انعام، آیه۳۲)

حضرت امام موسی کاظم(ع) بر این مطلب تأکید دارد که انسان باید از عقل خویش به عنوان واعظ درونی استفاده کند. ایشان می‌فرماید: من لم یکن له من نفسه واعظ تمکن منه عدوه- یعنی الشیطان-؛ هر کسی عقل و تدبیرش را مورد استفاده قرار ندهد، دشمنش- یعنی؛ شیاطین انسی و جنی و نیز هواهای نفسانی- به راحتی او را می‌فریبند و منحرف می‌شود. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر: ص۱۲۴، ح۱۵) آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: ما قسم بین العباد أفضل من العقل، نوم العاقل أفضل من سهرالجاهل؛ چیزی با فضیلت‌تر و بهتر از عقل، بین بندگان توزیع نشده است، (تا جائی که) خواب عاقل- هوشمند- بهتر از شب زنده‌داری جاهل بی‌خرد است. (تحف‌العقول: ص۲۱۳؛ بحارالأنوار: ج۱، ص۱۵۴، ضمن ص۳۰، و ج۷۵، ص۳۱۲، ضمن ص۱)

۱۰- نکوهش شوخی و مزاح بیجا و شرح مضرات آن: شوخی برای ایجاد سرور و شادی خوب است ولی انسان باید بداند که هر چیزی آداب و شرایط و اصولی دارد که باید رعایت شود تا انسان به لغو و لهو و دروغ نیفتد یا شخصیت اجتماعی و معنوی او مخدوش نشود. آن حضرت(ع) به جزئی‌ترین مسایل توجه داشته و درباره شوخی نیز می فرماید: ایاک و المزاح، فانه یذهب بنور ایمانک و یستخف مروتک؛ بر حذر باش از شوخی و مزاح- بی‌جا- چون که نور ایمان را از بین می‌برد و جوانمردی و آبرو را سبک و بی‌اهمیت می‌گرداند. (وسائل الشیعه: ج۱۲، ص۱۱۸، ح۱۵۸۱۲)

۱۱- رضایت به قسمت الهی: براساس آموزه‌های قرآنی همه چیز در ام‌الکتاب نوشته شده است (حدید، آیات ۲۲ و ۲۳) بنابراین انسان مؤمن هرگز بر داشته‌ها شاد و مغرور نشود و نسبت به از دست داده‌ها محزون و اندوهگین نگردد و بر این باور است که هر چه پیش آید در آن خیری برای اوست. امام(ع) این نوع نگرش را مورد تقویت و تأکید قرار می‌دهد و از مؤمنان می‌خواهد در سبک زندگی خود آن را مراعات کنند. ایشان می‌فرماید: المؤمن بعرض کل خیر، لو قطع انمله أنمله کان خیرا له، و لو ولی شرقها و غربها کل خیراله؛ مؤمن (همیشه، در همه حالات) در معرض خیر و سعادت خواهد بود، چنانچه (در سختی قرار گیرد و) بندهای بدنش قطعه قطعه گردد برایش خیر و خوشبختی است؛ و اگر هم تمام شرق و غرب دنیا در اختیارش قرار گیرد، نیز برایش خیر و سعادت است. (کتاب التمحیص: ص۵۵، ح۱۰۹، بحارالأن